

متن پرسش

سلام: در نفی اصاله الوجود و وحدت وجود من وقتی اصاله بذات می بینم وجود هم تشخیص پیدا می کنه (به جهت تبعیت مفهوم انتزاعی از منشاء انتزاع) مسئله وحدت وجود تو مبانی حکمی من اصلا طرح نمیشه. معتقدیم ادراک مفهوم ماهیت متاخر از مفهوم وجود است. اما مفهوم وجود یک مفهوم است. مفاهیم تصورات هستند. ظرف تصور عالم ذهن است. پس اصالتی ندارد. آنچه که اصیل است ذات با تمام تشخصاتش در عالم تکوین است. از این ذات یک مفهوم استقرار ذات در عالم تکوین در ذهن انتزاع می شود که اسمش می‌دارند وجود. یک تصویر متشخصات در عالم ذهن ایجاد می شود که اسمش گذاشتن ماهیت. هر دو مفهوم دارند انتزاع از ذات در عالم تکوین می شوند. و مفاهیم انتزاعی تابع منتزعه‌شون (در اینجا ذات) هستند. خب اگر کسی این مسیر را با ما بیاد ذوات با یک دیگر متغایر هستند پس مفهوم وجود که انتزاع از این ذوات هم باید با یک دیگر متغایر باشند. لذا اصلا مجال برای طرح نظریه وحدت وجود مطرح نمیشه

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به هر حال بحث در این مورد عمیق‌تر و گسترده‌تر از آن است که در محدوده جواب و سؤال بگنجد ولی در هر حال بحث در واقعیتی است که ذهن از آن واقعیت، مفهوم می‌سازد. حال سؤال این است که ذوات متکثره به چه نوع حضوری در عالم حاضرند و مبنا و بنیاد آنها چیست؟ این‌جا است که بحث «اصالت وجود» پیش می‌آید و اخیراً عرایضی تحت عنوان «راز طلوع بشر جدید و نسبت آن با اصالت وجود در حکمت متعالیه» شروع شده است که می‌توانید به دو جلسه اولیه آن رجوع فرمایید. https://eitaa.com/soha_sima/۳۲۴۴ البته مقدمه این جلسات، سلسله بحث‌هایی بوده است تحت عنوان «انقلاب اسلامی، انتظار، وارستگی» https://eitaa.com/soha_sima/۱۸۷۱ که طی ۳۰ جلسه بدان پرداخته شد. موفق باشید